

ادامه از صفحه ۶

چپ‌های خط امامی چگونه اصلاح‌طلب شدند

حاضریم به نام عقلانیت سیاسی با دیگران وارد ائتلافات میمون و نامیمون بشویم تا در عرصه قدرت حضور داشته باشیم. این جفا به اصلاح‌طلبی است؛ اصلاح‌طلبی یک سرمایه اندیشگی، گفتمانی و سیاسی- اجتماعی تاریخی ما است، ساده به دست نیامده‌که از سوی عده‌ای ساده از بین برود. اصلاح‌طلبی فریه‌تر از آن است که فقط در پالتیک گنجانده شود، فریه‌تر از آن است که فقط در مایکروفیزیک قدرت قرار گیرد. اگر مارکس زمانی مدعی شد که هرم اندیشه هگل را سر و ته کرده است و آن را بر قاعده نشانده، ما امروز احتیاج داریم که هرم اندیشه و گفتمان اصلاح‌طلبی را که از سوی برخی سر و ته نشانده شده برعکس کنیم، درحال حاضر هرم اصلاح‌طلبی روی رأس سیاسی نشانده شده و قاعده اصلی آن را که معرفتی، اندیشگی، اجتماعی و فرهنگی است فراموش کرده‌ایم و آن را خلاصه کرده‌ایم به سیاست و انتخابات، ما سیاست را پرنگ کرده‌ایم و کل گفتمان اصلاح‌طلبی را کاریکاتوریزه کرده‌ایم؛ یک سر بزرگ سیاسی و یک تن تحیف فرهنگی و اجتماعی، بنابراین همه چیز را در آن سر جست‌وجو می‌کنیم. این جفایی است که به اصلاح‌طلبی شده. من معتقدم و بارها گفته‌ام در اولین گام باید اصلاح‌طلبی را از چنبره این شبه‌اصلاح‌طلبانی که دارند به‌شدت از آن ابرازی استفاده می‌کنند و از فرهنگ اصلاح‌طلبی چیزی ندارند؛ نه یک کلمه به اصلاح‌طلبی افزوده‌اند و نه هزینه‌ای برای اصلاح‌طلبی پرداخته‌اند و فقط از مواهیش بهره برده‌اند، رها کنیم. کسانی که جایی که تقسیم قدرت بوده حضور داشته‌اند و در فرای انتخابات‌ها غیبتشان زده است، دچار شیفت گفتمانی شده‌اند و دفعتا سر را جای دیگری درآورده‌اند و با نُرم‌های دیگری بازی کرده‌اند. من این موضوع را یک تهدید جدی برای اصلاح‌طلبی می‌دانم و در مقابل این مسئله استنادام و اگر لازم باشد در مصاحبه‌های بعدی‌ام شاپرت را جع به اشخاصی که از شخصیت‌ها و جریان اصلاح‌طلبی استفاده ابرازی می‌کنند، سخن خواهم گفت. - به دیدگاه من - به‌عنوان کسی که دوتا کتاب استراتژی خوانده‌ام و دوتا کار استراتژی کرده‌ام - ما کم‌سکان در دهه پنجم خود هم الترناتیوی جز اصلاح‌طلبی نداریم و نباید این آلترناتیو را به حاشیه بکشاییم. این آلترناتیو جامعه ماست، اگر این آلترناتیو به حاشیه برود راه برای یک جریان متفاوت و رادیکال‌تر به تلاش ندارد. در قالب یک اپوزیسیون قانونمند یا یک پوزیسیون تغییرات را رقم بزند بازخواهد شد و حتما یک شیوه رادیکال را در پیش خواهند گرفت که به نفع جامعه ملت‌به ما نیست.

■ شما بین اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان تفاوت قائل شدید و برای اصلاح‌طلبی شأن مستقلی قائل شدید. بعد از فوت آقای ابراهیم یزدی خیلی از اصلاح‌طلبان او، نهضت آزادی و امثال مهدی بازرگان را پدران اصلاح‌طلبی معرفی کردند. آیا قبل از اینکه اصلاح‌طلبی در جنبش دوم خرداد ۷۶ در بخشی از کاست قدرت ظهور پیدا کند، گروه‌های دیگری بودند که بارقه‌های اصلاح‌طلبی را در خود حمل کنند؟ این گروه‌ها چقدر در به‌وجودآمدن جریان بعدی مؤثر بودند؟

بی‌تردید مؤثر بودند. ما در دهه اول انقلاب یک دواگناری داشتیم؛ رفرم و انقلاب. از دیدگاه چپ مارکسیستی به اصلاح‌طلبی نگاه مثبتی نمی‌شود. اصلاح‌طلب کسی بود که از مواضع انقلابی عدول کرده و نوعی محافظه‌کاری پیش کرده و به نوعی دچار رویزنیوسم و سکتاریسم (یعنی جدایی از توده‌ها) شده است و رقم مثنی انسان‌های مصلحت‌طلب قدرت‌طلبی است که به قدرت چسبیده‌اند و چون نمی‌خواهند برای تغییرات هزینه پرداخت کنند به شکلی رفتارهای خود را توجیه می‌کنند، اما اشکال مختلفی از اصلاح‌طلبی که در دهه اول انقلاب به رفرمیست نام گرفته بودند، وجود داشت. بی‌تردید جریان نهضت آزادی از زمانی که شکل گرفت یک جریان رفرمیست بود. جریانی بود با نگاه لیبرالیستی، مدرن، علمی و حتی شاید پوزیتیویستی نسبت به دین که می‌خواست روکش علم و عقل مدرن را بر دین بکشد و بخواهد آن را این‌گونه به صدا دربیاورد. طبیعتا چارچوب اینها چارچوب قانون بود، یعنی از همان زمانی که متولد شدند در مرام‌نامه آنها می‌خوانیم که خود را به قانون (قانون-پیش از انقلاب) متعهد می‌دانند. حتی جریان‌هایی مثل حزب توده اگرچه یک مشی رادیکال دارند و پیرو «برادر بزرگ‌تر» هستند، اما در مقاطعی شیوه‌شان کاملا پارلمانارستی است و با حضور در مجلس و فضای قانونی کشور تلاش می‌کنند جامعه و ساختار جامعه را تغییر دهند. اما بعد از کودتا ۱۳۳۲ جریان‌ها امکان فعالیت آشکار ندارند، به زیرزمین کشیده و رادیکالیزه می‌شوند. بعد از آن وقتی که انقلاب سفید راه می‌افتد امکان ظهور و بروز جبهه ملی دوم پیدا می‌شود و جبهه ملی و بسیاری از احزاب دیگر شروع به فعالیت می‌کنند تا سال ۴۲ که دوباره در پی یک سرکوب، رادیکالیزه می‌شوند و در شکل سازمان‌های زیرزمینی متشکل می‌شوند تا ۵۷ که به شکلی ظهور و بروز می‌کند؛ بنابراین می‌بینیم که در هر جایی که امکان این پیدا می‌شود که فعالیت آشکار داشته باشند اکثر احزاب ترجیح می‌دهند مشی اصلاح‌طلبانه‌ای اتخاذ کنند، حتی نسبت به رژیم شاه؛ بنابراین جناب آقای بازرگان و نهضت آزادی با مشی لیبرالیستی که داشتند طبیعتا یکی از جریان‌های اصلاح‌طلبی جامعه ما در صد سال گذشته بودند.

politics@sharghdaily.ir

نشریه دانشجویی «مدار»

دانشگاه خلیج فارس بوشهر، با محمد توسلی درباره ۱۳ آبان به گفت‌وگو نشست است. توسلی، عضو نهضت آزادی بود و با روی‌کارآمدن دولت موقت، به‌عنوان اولین شهردار تهران پس از انقلاب انتخاب شد. دولت موقت بازرگان بعد از تسخیر سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام استعفا داد. توسلی روایت خود را از آن ماجرا می‌گوید:

■ از نظر شما چه شد که دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان، اقدام به تسخیر سفارت آمریکا کردند؟

در آبان‌ماه سال ۱۳۵۸، محمدرضا پهلوی با پیگیری بعضی از مقامات آمریکایی برای معالجه به آمریکا رفته بود. برای جمهوری اسلامی پذیرش سفر شاه به آمریکا و دلیل آمریکا از اینکه شاه برای معالجه به آمریکا رفته است، مشخص نبود که این سفر چه پیامدهایی دارد. ابتدا دولت موقت در این زمینه اعتراض خود را اعلام کرد و خواست که اگر ایشان بیمار هستند، باید پزشکان مورد وثوق ایران، بیماری ایشان را تأیید کنند. البته ابهامات دیگری در خصوص اعتراض دولت موقت با توجه به تجربه تلخ کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ در آن مقطع موردنظر بود.

در همین دوران بود که جمعی از دانشجویان دانشگاه‌ها، در جلسات خصوصی که داشتند، شاید حدود ۱۰ نفر تصمیم گرفتند برای اعتراض به سفر شاه به آمریکا سفارت آمریکا را تسخیر کنند و یک نوع واکنشی نسبت به این اقدام غیرقابل‌قبول آمریکا انجام دهند. این اقدام ساعت ۱۰ صبح روز سیزدهم آبان صورت گرفت. این اقدام بلافاصله با واکنش مردم و گروه‌های اجتماعی مختلف جامعه روبه‌رو شد. به‌ویژه وقتی سفارت آمریکا به‌وسیله دانشجویان در آن شرایط اشغال می‌شود، به طور طبیعی گروه‌های طیف چپ، از حزب توده، چریک‌های فداییان خلق، اقلیت و اکثریت، جنبش و حتی چپ‌های مذهبی هم به‌عنوان یک حرکت ضد امپریالیستی از این اقدام دانشجویان حمایت کردند و خیابان طالقانی محل تجمع مردم بود. این تجمع ماه‌ها در مقابل سفارت

آمریکا ادامه داشت. خانم کاتوزیان همسر آقای دکتر علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی در خاطراتش نوشته است: ما که کوچک‌ترین نهادهی بودیم که در این اجتماعات شرکت کردیم، چندین دیگ غذا در آنجا گذاشته بودیم که شبانه‌روز از مردم پذیرایی کنیم. در یک چنین فضای ملت‌پهی است که جریا چپ کوشش می‌کند که حداکثر استفاده را از این رخداد تاریخی داشته باشد.

■ با توجه به اینکه نهضت آزادی پس از تسخیر سفارت، از این اقدام حمایت کرده بود، جناب‌عالی در آن دوره چه نگاهی درباره این رخداد داشتید و آیا هم‌اکنون نیز، بر همان عقیده استوارید؟

در روز ۱۳ آبان، موقعی که سفارت آمریکا اشغال شد، به طور طبیعی دولت موقت با این اقدام مخالفت کرد و مهندس بازرگان همان‌موقع تصریح کرد که این عمل خلاف قانون و تعهدات بین‌المللی ایران است. ابتدا همه نهادهای مسئول مانند شورای انقلاب مخالف این اقدام غیرمنتظره بودند. همان‌طور که مجریان اشغال سفارت گزارش کرده‌اند، قرار بوده بدون اطلاع مسئولان این اقدام صورت گیرد. در روز یکشنبه بعدازظهر بر اساس خاطرات زنده‌یاد دکتر یزدی، آیت‌الله خمینی، آقای دکتر یزدی را احضار می‌کنند و همان دستوری را به ایشان می‌دهند که در ۲۴ بهمن، ظاهرا چریک‌های فدایی خلق سفارت آمریکا را اشغال کرده بودند؛ «که برپود و آنها را بیرون بریزید».

روز دوشنبه چهاردهم آبان، بر اساس مستندات تاریخی، آقای موسوی‌خوینی‌ها به دانشجویان مستقر در سفارت می‌پیوندند و با قم تماس می‌گیرند و احمد آقا هم همان روز چهاردهم از قم به تهران می‌آیند و وارد سفارت می‌شوند. آقای دکتر ابراهیم یزدی، همان‌طور که در مذاکرات مجلس در شهریور ۵۸ گزارش شده، همان موقع با آقای موسوی‌خوینی‌ها، تلفنی تماس می‌گیرند که این اقدام دانشجویان به‌عنوان یک اعتراض، اگر یک یا دو روز باشد، قابل قبول است اما کوششش کنید حالا که اعتراض انجام شده، سفارت را ترک کنید تا دولت به‌لحاظ قانونی بتواند پاسخ‌گو باشد. در این فضای اجتماعی است که جمعی از دوستان ما که نهضت آزادی ایران را آن موقع اداره می‌کردند از جمله آقای مهندس عزت‌الله سحابی و دوستان‌شان، اطلاعاتی

سیاست

محمد توسلی بررسی کرد

پیامدهای تسخیر سفارت



می‌دهند و این اقدام را تأیید می‌کنند. اما دولت،

مهندس بازرگان و کسانی که یک نگاه راهبردی، به‌لحاظ سیاست جهانی داشتند، می‌دانستند که این اقدام، اقدامی است که جمهوری اسلامی به‌لحاظ حقوقی و قانونی نمی‌تواند پاسخ‌گو باشد و می‌تواند پیامدهای بسیار منفی علیه منافع ملی ما داشته باشد، بنابراین مخالف این اقدام بودند.

■ تسخیر سفارت آمریکا چه تبعات و پیامدهایی در آن زمان و تا امروز برای کشور در پی داشته است؟

همان‌طور که بعدها خود دانشجویان اشغال‌کننده سفارت، در مصاحبه خودشان به دفعات یادآوری کردند، قصدشان این بود که ۴۸ ساعت بیشتر در سفارت نباشند. اما موج سنگینی در فضای عمومی جامعه به وجود آمد و تمام شواهد و قرائن نشان می‌دهد که احساس و غرور ملی مردم در قبال اقدامات خلاف منافع ملی ما توسط آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد انگیزه چنین واکنش‌هایی بود؛ اما موتور این تجمع‌ها همان‌طور که تمام گزارش‌ها حاکی است، جریان‌های چپ بودند و دنبال این بودند که از اشغال سفارت در راستای آن گفتمان خودشان که یک گفتمان چپ ضد امپریالیستی، مارکسیستی است، بتوانند استفاده کنند.

به نظر بنده آنچه در این دوره کوتاه اتفاق افتاده و می‌توان مستنداتی هم بر این تحلیل ارائه داد، فضای ملت‌په شهر تهران بود که خود من در دفتر کارم در ساختمان شهرداری تهران واقع در خیابان ایرانشهر کاملا به رویدادها اشراق داشتم و تمام جزئیات را در آن دوران دنبال می‌کردم. شرایط طوری بود که کنترلش از دست مدیران انقلاب خارج شده بود.

مرحوم دکتر بهشتی جمله‌ای را همان‌موقع مطرح کردند که: «این موجی که ایجاد شده، ما باید بتوانیم سوار بر این موج شویم تا بتوانیم این موج را کنترل کنیم والا این موج ممکن است خود ما را هم ببرد». (نقل به مضمون).

اما چه پیامدهایی اشغال سفارت آمریکا برای انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران داشته است. به‌طور خلاصه، این اشغال به جای دو یا سه روز، ۴۴ روز طول می‌کشد. شرایط طوری ادامه پیدا می‌کند که حتی دانشجویان مستقر در سفارت نته‌تها حرف دولت بعدی را که بعد از استعفا دولت موقت جایگزین می‌شود نمی‌پذیرفتند (دولت شورای انقلاب) بلکه از هیچ کسی حرف‌شنوی نداشتند. رهبر فقید انقلاب در پنجم بهمن‌ماه سال ۵۸ رسیدگی به این اقدام را در اختیار مجلس شورای اسلامی می‌گذارند، درحالی‌که مجلس در هفتم خرداد ۵۹ تشکیل شد. در شهریور سال ۵۹ کمیسسیون خاصی در مجلس با سرپرستی آقای موسوی‌خوینی‌ها برای رسیدگی به مسئله گروگان‌ها تشکیل می‌شود. کار رسیدگی به مسئله گروگان‌های آمریکایی آن‌قدر طول می‌کشد و راینژی‌های مختلفی که تفصیل آنها خارج از ظرفیت این گفت‌وگوست؛ نهایتا در دولت شهید رجایی آقایان به‌رزاد نبوی و افشار جهرمی که مذاکرات با آمریکایی‌ها را با وساطت مقامات الجزایری دنبال می‌کنند. در الجزیره خروجی مذاکرات با مقامات آمریکا منجر به بیانیه الجزایر می‌شود؛ اسم آن را هم بیانیه گذاشتند برای اینکه نیاز به مصوبه مجلس نداشته باشد. پیام چنین بیانیه‌ای موجب می‌شود کسانی از جمله بانک «چیس منهتن» با مدیریت راکفلر که چهار میلیارد دلار به شاه خلاف ضوابط وام داده بودند و در شرایط عادی نمی‌توانستند پس بگیرند، به استناد بیانیه الجزایر توانستند وصول کنند. حدود ۲۰ میلیارد دلاری که ما ذخیره در آمریکا داشتیم، بر اساس این بیانیه هم آمریکایی‌ها و هم آمریکایی‌های ایرانی‌تبار، توانستند موجودی

ایران را از ما بگیرند. این کمترین پیامد اشغال سفارت آمریکا بوده است. پیامد اصلی این اقدام آماده‌شدن شرایط جهانی برای تحمیل هشت سال جنگ تحمیلی بر کشور ما بود....

■ دولت موقت چه موضعی نسبت به این اقدام در پی گرفت؟ آیا استعفا دولت صرفا به همین خاطر بوده است؟ و اگر تسخیر سفارت و ماجرای گروگان‌گیری اتفاق نمی‌افتاد باز هم دولت بازرگان مجددا استعفا می‌داد؟

در پاسخ به سوالات قبل توضیح دادم که دولت موقت از همان ابتدا با اشغال سفارت آمریکا طبق تعهدات قانونی و قوانین بین‌المللی مخالف بود و مهندس بازرگان هم خیلی صریح گفته که این خلاف قانون است. شورای انقلاب هم در جلسه داخلی‌شان مخالف این اقدام بودند. رهبر فقید انقلاب هم در جریان نبودند. بنابراین دانشجویان رأسا تصمیم گرفته بودند و چنین رخدادی در ۱۳ آبان اتفاق افتاد.

اگر اشغال سفارت اتفاق نمی‌افتاد و آن فضایی که بعد از سفر آقای مهندس بازرگان، دکتر یزدی، دکتر چمران، بعد از سفری که در جشن انقلاب الجزایر شرکت کرده بودند و مذاکراتی که با نماینده آمریکا برزینسکی در حاشیه آن برنامه داشتند، با وجود توضیحاتی که مهندس بازرگان، در مصاحبه مطبوعاتی، در بازگشت دادند که ما در این مذاکرات، مطالبات خودمان را از دولت آمریکا و گرفتن خریدهایی که قبلا انجام شده بود، به‌طور طبیعی پیگیری کردیم. اما در همان ۱۳ آبان واکنش بسیار شدیدی به وجود آوردند، به‌طوری‌که حزب جمهوری اسلامی بیانیه داد و تصریح کرد که چرا بدون اجازه امام شما در آنجا مذاکره کردید!

بنابراین فضایی در جامعه به‌وجود آمد که اجبارا دولت موقت مجبور به استعفا شد. معلوم نیست که اگر اشغال سفارت اتفاق نمی‌افتاد و این واکنش‌ها نبوده، قرار بود که دولت موقت و شورای انقلاب تعامل بکنند و جمعی از اعضای شورای انقلاب در جایگاه وزرای دولت موقت قرار بگیرند و این دوگانگی که بین دولت موقت و شوروی وجود آوردند، به‌طوری‌که حزب جمهوری اسلامی بیانیه داد و تصریح کرد که چرا بدون اجازه امام شما در آنجا مذاکره کردید!

■ با توجه به اینکه شما و دیگر اعضای نهضت آزادی در صدر انقلاب، به‌طور فعالانه در آن حضور داشتید، مسلما اهداف انقلاب را به‌خوبی می‌شناسید. کمان می‌برید، هم‌اکنون

و بعد از ۳۹ سال از انقلاب اسلامی، تا چه اندازه آن اهداف محقق شده و آیا امروز هم، همان اهداف در رأس امور و مورد توجه مسئولان عالی‌رتبه کشور قرار دارد؟

بله، بنده و بقیه دوستان ما نقش مؤثری در مدیریت انقلاب داشتیم. یعنی اگر روشنفکران دینی نبودند یا از آن طرف اگر روحانیون مبارز و رهبری آیت‌الله خمینی نبود و این دو گروه اجتماعی در کنار هم قرار نمی‌گرفتند، هرگز انقلاب اسلامی به این صورت پیروز نمی‌شد. چرا همه راهبردها نگاهی که به‌عنوان راهبردهای جمهوری اسلامی و آینده جمهوری اسلامی مطرح شد، و ۹۸ درصد مردم ما در دوازدهم فروردین سال ۵۸ به استناد آنها به جمهوری اسلامی رای داد، عملیاتی نشد، نیاز به توضیح و تحلیل دارد.

به نظر من چند عامل در این فرایند تأثیرگذار بوده است. یک عامل ناپختگی درونی جنبش اجتماعی ایران در آن دوران است که درهرحال گروه‌های اجتماعی نتوانستند خویشتن‌داری کنند و عملا همه دنبال قدرت بودند و زمینه‌های خشونت خرداد سال ۶۰ را فراهم کردند. جریان چپ مارکسیست انقلاب اسلامی را قبول نداشت و شعار تداوم انقلاب را مطرح می‌کرد که به‌تدریج آن نگاه راهبردی خودش را که همان دیدگاه چپ مارکسیستی است، را در جامعه حاکم کند. مجاهدین خلق خودشان را حاکم بالامناز می‌دیدند. روحانیت مبارز هم به‌طور طبیعی حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داده بود که قدرت را به‌دست بگیرد. خوب نتیجتا مجموعه این شرایط آن خشونت خرداد سال ۶۰ را به‌وجود آورد و فضای جامعه بسته شد. این یک عامل مهم بود.

اما عامل دوم جریانی بود که با آن نگاه آخوندخراسانی و میرزای نائینی که مردم به‌عنوان شهروند باید در جامعه حاکم باشند و حاکمیت باید از آن ملت باشد و مشروعیت نظام هم متکی به آرای مردم است و مردم باید بر سرنوشت خود حاکم باشند مخالف بود.

به عنوان مثال، اصل بیست‌وششم قانون اساسی خیلی شفاف می‌گوید: «فعالیت احزاب سیاسی علی‌الاطلاق آزاد است»، اما این اصل هنوز اجرا نشده است. فصل هفتم قانون اساسی، خیلی شفاف است: «کار مردم را باید به دست مردم بسپاریم و مردم در همه‌اش، در روستاها و شهرها باید حاکم باشند». اما با وجود تمام این ناملایمات و محدودیت‌ها، به‌نظر بنده در این چهار دهه، با ایستادگی روشنفکران جامعه ما، کسانی که دغدغه منافع ملی و اجرای اصول قانون اساسی را داشتند؛ جنبش اجتماعی بارور شد.

همین روند بعد از دهه ۷۰ ادامه پیدا می‌کند، با وجود مشکلاتی که در دو دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد جامعه ما به آنها روبه‌رو بود، اما جنبش اجتماعی ما رشد می‌کند، بارور می‌شود و دلایل و نمود این رشد و بلوغ اجتماعی جامعه ما در انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۴ و اخیرا در سال ۹۶ کاملا بروز و ظهور پیدا کرده است. یعنی مردم ما نشان دادند با وجود تمام محدودیت‌ها، اما در انتخابات شرکت می‌کنند، باور به جنبش اصلاحات دارند، باور امید دارند که باید تغییرات تدریجی و گام به گام صورت بگیرد و در انتخابات، پیام خودشان را به مدیران کشور، جامعه و در سطح جهانی منعکس می‌کنند.

بنابراین به این دلایل بنده نسبت به این فرایندی که برای گذار به دموکراسی و تقویت آن هست، نگاه مثبت دارم و نسبت به آینده امیدوار هستم.

یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۶

روژنه

نامه توسلی در پی عدم حضورش در مراسم دانشگاه علامه

● قرار بود به مناسبت ۱۳ آبان میزگردی در دانشگاه علامه برگزار شود. مراحل قانونی هم طی شده بود، اما با نزدیک‌شدن به روز موعود برخی تلاش کردند مانع از حضور یکی از میهمان‌ها در این میزگرد شوند. میهمانان این میزگرد محمد توسلی، صادق زیباکلام و محمد نعیمی‌پور بودند. با وجود اینکه مجوزهای قانونی برای برگزاری این میزگرد طی شده بود، محمد توسلی از شرکت در آن بازماند. توسلی در پی این اتفاق، نامه‌ای خطاب به رئیس دانشگاه علامه‌طباطبایی نوشت. در ادامه متن نامه می‌آید:

«ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی جناب آقای دکتر حسین سلیمی با سلام و احترام، به‌طوری‌که استحضار دارید انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده مدیریت و حسابداری آن دانشگاه، به مناسبت روز ۱۳ آبان سالگرد تسخیر سفارت آمریکا، میزگردی با حضور آقایان مهندس محمد نعیمی‌پور، دکتر صادق زیباکلام و این‌جانب محمد توسلی برگزار کرده تا ضمن «بررسی سیر تحول جنبش دانشجویی و چالش‌های آن پس از تسخیر سفارت» پاسخ‌گوی سوالات دانشجویان باشند، به‌رغم موافقت و هماهنگی با مسئولان ذی‌ربط دانشگاه و اخذ مجوز کتبی، پس از اعلام برنامه برخی مقامات با حضور این‌جانب مخالفت کرده‌اند.

جناب عالی احتمالا با سوابق فعالیت‌ها و خدمات این‌جانب در سال‌های قبل و بعد از انقلاب در مدیریت انقلاب و مسئولیت‌هایی که داشته‌ام آشنا هستید و آگاهی دارید که نهضت آزادی ایران همواره پاینده به اصول و آرمان‌های اصل انقلاب بوده، به قانون اساسی التزام داشته و جز خدمت به ایران و هم‌وطنان عزیز در راستای منافع ملی عملی انجام نداده است. ضمن پوزش از دانشجویان عزیز که نتوانستیم دلیل نگارش این نامه به جناب‌عالی، بررسی پیامدهای چنین تصمیمی در فضای دانشگاهی است. لغو یک سخنران از یک میزگرد دانشگاهی که اعلان آن در فضای دانشگاه منتشر شده، چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟ پیام این اقدام این است که فضای دانشگاه‌ها یا ما در حدی بسته است که یکی از مدیران انقلاب نمی‌تواند در یک میزگرد دانشجویی حضور داشته باشد و اظهارنظر کند.

نسل جوان و دانشجوی امروز جامعه وقتی با چنین مواضعی مواجه می‌شوند و از سویی به سوابق شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران مراجعه می‌کنند، چه واکنشی می‌توانند داشته باشند؟ نظامی که در ۱۲ فروردین سال ۵۸ با ۹۸ درصد آرای مردم تأسیس شد و با استناد به راهبردهایی که رهبر فقید انقلاب برای نظام و بخصوص فضای آن مطرح کردند، می‌تواند بگوید که حتی مارکسیست‌ها هم برای بیان نظرات خودشان آزاد هستند، خوشبختانه بخشی از این راهبردها در بسیاری از اصول قانون اساسی هم تبلور پیدا کرد، اما دست‌های فراقانونی جلوی اجرای قانون را می‌گیرند و آزادی‌های مدنی که از آرمان‌های انقلاب بود را محدود می‌کنند.

تجربه دانشگاه‌های ایران در چند دهه گذشته و تجربه جهانی نشان می‌دهد اگر دانشگاه‌ها استقلال لازم را نداشته باشند که بتوانند فضای آزاد لازم را در محیط دانشگاه‌ها فراهم کنند تا دانشجویان علاوه بر کسب دانش و مهارت‌های علمی بتوانند در نهادهای دانشجویی و فعالیت‌های اجتماعی مورد علاقه خودشان در چارچوب مقررات دانشگاهی فعالیت داشته باشند، فارغ‌التحصیلان دانشگاه نمی‌توانند مدیران لایق و توانمندی برای مدیریت کشور و اجرای برنامه‌های توسعه ملی باشند.

انتظار را امید دارد با انتخاب وزیر علوم جدید و تأمین استقلال قانونمند مدیریت دانشگاه‌ها و برخورداری دانشجویان از فضای آزاد لازم برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها، شرایط لازم برای توسعه انسانی مورد نیاز برنامه‌های توسعه ملی فراهم شود».

مزایده عمومی یک نوبته

شهرداری قزوین در نظر دارد هفت قطعه زمین به صورت کاملا نقدی ؛ به شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی واگذار نماید:

ردیف	موقعیت ملک	مساحت -متر مربع	پلاک ثبتی	قطعه	نوع ملک	کاربری	قیمت کارشناسی کل زمین (ریال)
۱	ولایت - حد فاصل پردیس ۱۹ و ۲۱	۲۶۸/۰۱	۱۳۹۹ فرعی از ۳۴ اصلی بخش ۵ قزوین	۳	زمین	مسکونی	۸/۰۴۰۳۰۰۰۰۰
۲	باقر آباد -پردیس ۱۹	۳۲۶/۹۷	۱۳۹۹ فرعی از ۳۴ اصلی بخش ۵ قزوین	۹۸	زمین	مسکونی	۱۰/۱۱۳۶۰۷۰۰۰۰۰
۳	اراضی نیلی ؛ بلوار حکیم ؛ شمال پارک ارکید	۵۴۰/۵۰	۸۲۵۶/۸۲۷۳ فرعی از ۳۸ اصلی بخش ۵	۱	زمین	تجاری مسکونی	۱۴/۰۵۳۰۰۰۰۰۰۰
۴	اراضی نیلی ؛ بلوار حکیم ؛ شمال پارک ارکید	۳۸۰/۹۳	۸۲۵۶/۸۲۷۵ فرعی از ۳۸ اصلی بخش ۵	۳	زمین	تجاری مسکونی	۹/۱۴۲۲۳۰۰۰۰۰۰
۵	خیابان معرفت - قطعه ۱۶ کی	۵۰۶/۷۲	۱۴۵۴۴/۱۴۵۴۰ فرعی از ۱۳۶ اصلی بخش ۵	۱	زمین	آموزشی	۶/۰۸۰۶۴۰۰۰۰۰
۶	بلوار امام (ره) ، جنب دانشگاه رجا،	۱۸۱/۶۳	۵۸۲ فرعی از ۵۳ اصلی بخش ۵	-	زمین	تجاری مسکونی	۱۴/۱۷۱۲۰۳۰۰۰۰۰
۷	خیابان معرفت، قطعه ۲۲ گنی ، ملاصدرا	۲۸۸/۶۲	۱۷۴۹۲/۱۷۴۱۱ فرعی از ۳۶ اصلی بخش ۵	۶	زمین	مسکونی	۸/۹۴۴۲۰۰۰۰۰۰

مناقضات می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از زمان انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس اینترنتی Qazvin.ir یا سایت ملی مناقضات و یا واحد مدیریت پیمان و رسیدگی واقع در شهرداری مرکزی قزوین مراجعه نمایند. ضمناً هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می باشد. آدرس ؛ قزوین، خیابان شهرداری، شهرداری مرکز. تلفکس:۰۲۸۳۳۳۳۳۲۸۳

علی صفری –سر پرست شهرداری قزوین